

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته استدلال به دسته اول روایات خاصه مطرح شد، مرحوم شیخ این روایات را سه دسته کرد، دسته اول روایاتی است که به صورت مطلق امر به قضا می‌کند که خود آنها نیز به چند دسته تقسیم می‌شود، مرحوم شیخ اشکالاتی به آن مطرح کرد، اما مختار ما این شد که استدلال به این روایات تمام است و ما می‌توانیم به این روایات بر مدعا استدلال کنیم.

استدلال به روایتی از اصل حلبی

مرحوم شیخ در ادامه روایتی از اصل حلبی ذکر می‌کند، این کتاب بر امام صادق (صلوات الله علیه) عرضه شده است، ایشان آن را پسندیدند و فرمودند؛ کتاب خوبی است.

السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ طَاوُسٍ فِي رِسَالَةِ الْمَوَاسَعَةِ وَالْمُضَاقِقَةِ، نَقْلًا عَنْ أَصْلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ الْمَعْرُوضِ عَلَى الصَّادِقِ ع قَالَ: خَمْسُ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيَنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ مَتَى ذَكَرَهُ وَ مَتَى أَحَبَّ صَلَاةً فَرِيضَةً نَسِيَهَا يَقْضِيهَا مَعَ غُرُوبِ الشَّمْسِ وَ طُلُوعِهَا وَ صَلَاةً رَكَعَتَيِ الْإِحْرَامِ وَ رَكَعَتَيِ الطَّوَافِ وَ الْفَرِيضَةَ وَ كُسُوفَ الشَّمْسِ عِنْدَ طُلُوعِهَا وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا. [1]

در این روایت امام (علیه السلام) می‌فرماید؛ پنج نماز است که مصلی علی کل حال و متی أحب باید آن را بخواند، شاهد بر استدلال دو عبارت «علی کل حال» و «متی أحب» است، این پنج نماز عبارتند از:

- 1) صلاة فريضة نسيها يقضيها مع طلوع الشمس و غروبها؛ نماز واجبی که مصلی آن را فراموش کرده بخواند، واجب است آن را قضا کند، و عبارت «مع طلوع الشمس و غروبها» به این معنی است که حتی هنگام طلوع یا غروب شمس می‌تواند آن را بجا بیاورد.

2) صلاة ركعتي الاحرام .

3) ركعتي الطواف.

4) الفريضة.

5) كسوف الشمس عند طلوعها و غروبها.

فرض اول که محل استدلال به روایت است، نماز فريضة‌ای است که مکلف آن را فراموش کرده است، امام (علیه السلام) می‌فرماید: «يقضيها»، و در صدر روایت می‌فرماید: «علی کل حال» و «متی أحب» و سپس می‌فرماید: «مع طلوع الشمس و غروبها»، یعنی حتی هنگام طلوع شمس و غروب شمس هم می‌تواند قضا کند.

اشکالات مرحوم شیخ به استدلال به این روایت

مرحوم شیخ بر استدلال به این روایت سه اشکال کرده است که به بیان هر کدام از این سه اشکال می‌پردازیم و در ادامه آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اشکال اول: مناقشه در استظهار از عبارت «علی کل حال»

یکی از موارد استدلال به روایت بر مواسعه عبارت «علی کل حال» است و ظاهر آن این است که این پنج نماز که یکی از آنها نماز فائته است، مقید به زمان به خاصی نیست و در هر زمانی می‌توان آن را اقامه کرد، مرحوم شیخ می‌فرماید؛ عبارت مذکور نمی‌تواند برای استدلال به مواسعه مفید باشد، زیرا «علی کل حال» در مقام دفع توهّم منع از صلاة عند طلوع الشمس و غروب الشمس است، با این توضیح که در بعضی از روایات وارد شده که «إن الشمس تطلع بین قرنی الشیطان و تغرب بین قرنی الشیطان» [2] لذا نماز در زمان طلوع و غروب خورشید، کراهت (مطلق) یا کراهت شدید دارد.

مرحوم شیخ می‌فرماید؛ به دلیل این روایات مستفیضه و این تعبیر که طلوع و غروب بین دو شاخ شیطان است، این روایت در مقام دفع این توهّم است که مکلف گمان نکند نماز در این دو زمان جایز نیست، لذا حضرت می‌فرمایند؛ که در هنگام طلوع و غروب خورشید می‌تواند این نمازها را بجا آورد.

و یرد علیه أنّ قوله: «یصلّین علی کلّ حال» یدلّ علی مشروعیتها فی مقام دفع توهّم المنع عنها عند طلوع الشمس و غروبها، لما استفاض من الأخبار الظاهرة فی النهی عن الصلاة عند طلوع الشمس و غروبها و أنّها تطلع بین قرنی الشیطان [3]

در نتیجه مراد از «علی کل حال» و «عند طلوعها و غروبها» توسعه زمان انجام نماز و اختیار مکلف در تعجیل و تاخیر در انجام نماز نیست.

مرحوم شیخ در ادامه شاهی بر کلام خود می‌آورد و می‌فرماید؛ توسعه وقت در سایر نمازهایی که در این روایت ذکر شده است ممکن نیست، زیرا نماز کسوف، نماز طواف و نماز بر میت که در بعضی از اخبار [4] ذکر شده است، زمان مشخصی دارد و توسعه در وقت در نمازهای مذکور ممکن نیست، لذا از نظر مرحوم شیخ نمی‌توان از این روایت برای اثبات توسعه در وقت برای نماز فائته نیز استفاده کرد.

و لیس المراد سعة وقتها و اختیار المکلف فی تعجیلها و تأخیرها، لأنّ هذا غیر ممکن فی الکسوف و الطواف و صلاة المیت المذکورة فی بعض الأخبار معها [5]

مرحوم شیخ پس از بیان عدم منافات بین توسعه در نماز قضا و وجوب تعجیل نماز فائته در هنگام یادآوری مکلف، شاهی بر عدم المنافات نیز می‌آورد:

فلا ینافی هذا وجوب تعجیل القضاء متی ذکرها، و لذا جمع فی بعض الأخبار بین الفقرة المذکورة و بین وجوب القضاء متی ذکرها، مثل رواية زرارة - المحکیّة عن الخصال - عن أبي جعفر علیه السلام: «قال: أربع صلوات یصلّیها الرجل فی کلّ ساعة: صلاة فاتتک فمتی ذکرتها أدّیتها، و رکعتی طواف الفریضة و صلاة الکسوف و الصلاة علی المیت» [6]. [7]

مرحوم شیخ می‌فرماید؛ این قسمت روایت «یصلّین علی کل حال» با وجوب تعجیل در قضا متی ذکرها منافات ندارد و شاهد بر عدم المنافات این است که بین همین عبارت و وجوب قضا متی ذکرها در روایت زراره که در الخصال از امام باقر (علیه السلام) نقل شده، جمع شده است، در صدر این روایت امام (علیه السلام) می‌فرماید: چهار نماز است که مکلف در هر زمانی می‌تواند به جا آورد و یکی از این موارد نماز قضایی است که از مکلف فوت شده است، و در ذیل روایت می‌فرماید هر وقت مکلف یادش بیاید آن را بجا آورد. لذا بین عبارت «فی کل ساعة» به این معنی که قابل انجام در هر زمانی باشد، و وجوب تعجیل در زمان یادآوری، منافاتی وجود ندارد.

اشکال دوم: مناقشه در استظهار از عبارت «متی احب»

قائلین به مواسعه از عبارت «متی احب» در روایت نیز برای اثبات قول به مواسعه استفاده می‌کنند اما مرحوم شیخ در استظهار از این روایت نیز مناقشه می‌کند. زیرا این عبارت در نمازهای دیگر یعنی نماز کسوف و دو رکعت طواف معنا ندارد، لذا منافاتی ندارد در این روایت، صلاة قضا به نحو تعجیل و فوری واجب شده باشد.

و أمّا قوله: «متی أحبّ» فليس دليلاً على جواز التأخير، لعدم جريانها في باقي الصلوات المذكورة في الرواية، فلا بدّ من تأويلها على وجه لا ينافي التعجيل، و لا يحضرنى الآن تأويل حسن له و لا يهمنّا أيضاً [8]

مرحوم شیخ در توجیه عدم منافات می‌فرماید؛ این یک تأویلی دارد که الآن این تأویل در ذهن من نیست و و در ادامه نیز می‌گوید که این تأویل خیلی مهم نیست.

اشکال سوم: مناقشه سندى به روایت

مرحوم شیخ در ادامه یک اشکال کلی‌تر می‌کند و می‌فرماید؛ در اینکه این عبارات، روایتی باشد که از لسان امام صادر شده باشد محل اشکال است زیرا حلی این روایات را به امام اسناد نداده است، لذا محتمل است این عبارات، فتوای خود حلی باشد که از سایر روایات استنباط کرده باشد.

این مطلب در روایت ما موجود است، گاهی اوقات بعضی از اصحاب در همان اصول خودشان فتوای خودشان را هم می‌آوردند. در مساله «حرمان زوجه از عقار» از یکی از راویان روایتی هست که در اینکه آیا این راوی به عنوان روایت آن را نقل کرده یا به عنوان فتوای خودش مطرح کرده است، نزاع است، لذا این نکته‌ای است که باید در فقه الحدیث مورد توجه قرار گیرد.

نقد استاد بر اشکالات مرحوم شیخ

نسبت به اشکالات مرحوم شیخ نقدهایی وارد است، در مورد اشکال اول مرحوم شیخ که فرمود؛ عبارت «عند طلوعها و غروبها» در مقام دفع توهّم عدم جواز انجام نماز در هنگام طلوع و غروب است، این اشکال وارد است که عبارت «علی کل حال» تصریح به اطلاق دارد، لذا بین این عبارت و وجوب تعجیل جمع نمی‌شود.

مرحوم شیخ فرمود؛ از روایت زراره که امام (علیه‌السلام) فرمود؛ «صلاة فاتتك فمتى ذكرتها أدبتها» وجوب تعجیل استفاده می‌شود، در حالی که این برداشت مخدوش است زیرا امام (علیه‌السلام) می‌فرماید؛ هر زمان که مکلف یادش آمد که نماز قضا بر عهده اش است، آن را بیاورد ولی این دلالت بر فوریت ندارد و می‌تواند با تاخیر هم بیاورد، لذا فوریت از این عبارت برداشت نمی‌شود.

ما به بیان فنی‌تر در نقد کلام مرحوم شیخ می‌گوییم؛ اگر «مع طلوع الشمس و غروبها» تفسیر «علی کل حال» باشد، فرمایش مرحوم شیخ درست است، اما این استظهار قوی‌تر است که وقتی امام (علیه‌السلام) می‌فرماید؛ «يقضيها مع طلوع الشمس و غروبها» یعنی حتّى «مع طلوع الشمس و غروبها» می‌تواند مکلف نماز را انجام دهد، نه اینکه طلوع و غروب شمس تفسیر برای علی کل حال باشد.

در مورد اشکال دوم مرحوم شیخ نیز می‌گوئیم «متی احب» با وجوب تعجیل به هیچ وجهی سازگاری ندارد و هیچ تأویلی هم ندارد.

اما نسبت به اشکال سوم که فرمود این عبارت اصلاً روایت نیست، ظاهر مسئله این است که حلی این روایت را از امام

(علیه السلام) شنیده و بر ایشان عرضه کرده است و امام (علیه السلام) نیز این اصل را تایید و استحسان کرده است، لذا این خلاف ظاهر است که بگوئیم این عبارات فتواست.

در روایت مشابه دیگری ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ هَاشِمِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَمْسُ صَلَوَاتٍ تُصَلِّيَهُنَّ فِي كُلِّ وَقْتٍ صَلَاةُ الْكُسُوفِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى الْمَيِّتِ وَ صَلَاةُ الْإِحْرَامِ وَ الصَّلَاةُ الَّتِي تَقُوتُ وَ صَلَاةُ الطَّوَافِ مِنَ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ إِلَى اللَّيْلِ. [9]

در این روایت حضرت (علیه السلام) می‌فرماید؛ صلاة کسوف وقت معینی ندارد و هر وقت کسوف واقع شد باید مکلف نماز کسوف را بخواند و اگر نخواند، باید بعداً قضا کند، هچنین صلاة بر میت اینگونه نیست که زمان معینی بعد از فوت برای آن در نظر گرفته شده باشد، بلکه هر زمانی که ممکن است باید خوانده شود، صلاة احرام و نماز واجبی که قضا شده است، اینگونه است و زمان آن موسع است.

اما در مورد صلاة طواف می‌فرماید؛ اگر مکلف طواف را صبح انجام داد، تا طلوع الشمس وقت دارد و اگر عصر انجام داد تا شب وقت دارد صلاة طواف را انجام دهد لذا نظر مختار این است که این روایت و روایت حلبی به خوبی دلالت بر موسعه دارد و جای هیچ مناقشه ای هم ندارد.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] نوری، حسین بن محمد تقی، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، ج 3، ص 148.
- [2] عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْحَدِيثُ الَّذِي رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ قَالَ نَعَمْ إِنَّ إِبْلِيسَ اتَّخَذَ عَرْشاً بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَ سَجَدَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ النَّاسُ قَالَ إِبْلِيسُ لِشَيْطَانِهِ إِنَّ بَنِي آدَمَ يَصْلُونَنِي. (الكافي ط - الإسلامية)، ج3، ص: 290
- [3] انصاری، مرتضی بن محمد امین، «رسائل فقهية (انصاری)»، ص 304.
- [4] الوسائل ۳: ۱۷۴، الباب ۳۹ من أبواب المواقیت، الحديث ۱ و ۵.
- [5] انصاری، رسائل فقهية (انصاری)، ص 304.
- [6] الوسائل ۳: ۱۷۴، الباب ۳۹ من أبواب المواقیت، الحديث ۱، الخصال ۱: ۲۴۷، رقم ۱۰۷.
- [7] انصاری، رسائل فقهية (انصاری)، ص 304.
- [8] همان.
- [9] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 4، ص 241، حدیث 5.

منابع

- انصاری، مرتضی بن محمد امین، رسائل فقهية (انصاری)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفكر الإسلامي، 1414.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، بی‌جا، 1416.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، 1408.